

جنسی سازی جوانان

نویسنده: لیندا پادوپولوس

مترجم: محمدرضا امین

چکیده

چگونه جنسیت، جنسی بودن، و جنسی سازی در سال‌های اخیر چنان محبوبیتی به دست آوردند که [توانستند] سوبه معیار داوری در مورد ارزش زنان و دختران بدل شوند؟ در حالی که جنسی سازی اصلاً پدیده نوینی نیست، اما در مورد چگونگی پیدایش و نحوه اثرگذاری آن بر دختران بسیار جوان عصر حاضر، نکات خاصی مطرح است. این پژوهش به عنوان بخشی از پروژه دولت بریتانیا در سال ۲۰۱۰ است تا خشونت علیه زنان و دختران از بین برود. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای کارآمد از بخش‌های مختلف پژوهش نهایی است.

کلیدواژگان: جنسیت، جنسی سازی، جوانان، رسانه‌های جمعی، فرهنگ

۱. خشونت علیه زنان و دختران در هیچ شرایطی و در هیچ محیطی پذیرفته نیست. دولت در مارس ۲۰۰۹ برنامه‌های مشاوره‌ای با نام «با یکدیگر می‌توانیم به خشونت علیه زنان و دختران پایان دهیم» به راه انداخت، تا آگاهی نسبت به این مشکل را افزایش دهد و ایده‌ها و پیشنهادهای ناظر به خط‌مشی‌ای که برای کمک به ممانعت از خشونت علیه زنان و دختران طراحی شده‌اند، کشف کند. این گزارش، بخشی از برنامه مشورتی گفته شده است.

۲. نگاه تحقیق پیش رو به سوی این نکته است که پیام‌ها و تصاویر جنسی شده چگونه می‌توانند بر رشد کودکان و جوانان، و بر هنجارهای فرهنگی اثر بگذارند و شواهد پیوند بین جنسی سازی و خشونت را بررسی می‌کند. تصمیم دولت به سفارش دادن این مطالعه، نشانه اهمیت موضوع و این بینش همگانی است که جوانان (و خصوصاً دختران و زنان جوان) به نحو فزاینده‌ای تحت فشارند تا چنین به نظر آید که از لحاظ جنسی در دسترس هستند. این گزارش به نمونه‌ها و شیوع جنسی سازی در فرهنگ نظر دارد و سازوکارهای درونی سازی پیام‌های جنسی سازی شده را پیشنهاد می‌کند، و پیامدهای آنها بر جوانان را نیز مدنظر دارد. ۳. امروزه دنیا بیش از هر زمان دیگری از تصاویر اشباع شده است. و رای هر یک از این تصاویر، پیامی در مورد انتظارات، ارزش‌ها و ایدئال‌ها نهفته است. زنان به دلیل جذابیت‌های جسمانی‌شان، احترام دارند و جایزه می‌گیرند. دختران و هم پسران نیز از همان سنین بسیار پایین برای تقلید از کلیشه‌های جنسی دوقطبی شده تحت فشارند. طبق شواهد گردآوری شده در مطالعه پیش رو، این تحولات، خصوصاً بر زنان جوان و دختران تأثیری عمیق دارند.

جنسی سازی، یادگیری و رشد

۴. تمایلات جنسی سالم، یکی از مؤلفه‌های مهم، هم برای سلامت جسم و هم برای سلامت روان است. مسائل جنسی، هنگامی که بر احترام متقابل بین والدین راضی مبتنی باشد، به صمیمیت پر و بال داده و رضایتمندی مشترک را تضمین می‌کند. جنسی سازی یعنی تحمیل تمایلات جنسی بزرگسالان بر کودکان و جوانان پیش از آن که از لحاظ روانی، عاطفی یا جسمانی به آمادگی رسیده باشند.

۵. تصاویر جنسی سازی شده از ابتدای ظهور رسانه‌های جمعی در ارتباطات و تبلیغ‌ها نقش مهمی داشته‌اند. آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم افزایش بی‌سابقه حجم و گستره اثرگذاری این تصاویر بر زندگی روزمره است. همچنین کودکان به طور فزاینده‌ای به شیوه‌هایی «بزرگسالانه‌شده» ترسیم می‌شوند، در حالی که با زنان بزرگسال، «رفتاری کودکانه» می‌شود. «این روند به کم‌رنگ کردن مرزهای بین بلوغ و عدم بلوغ جنسی منجر می‌شود، در واقع، این ایده را موجه می‌کند که می‌توان به کودکان نگاهی جنسی داشت.

۶. تعدادی از عوامل، چگونگی واکنش جوانان و کودکان به جنسی سازی فرهنگ را شکل می دهند. یکی از مهم ترین آنها سن کودک خاص و سطح رشد شناختی و عاطفی است. صرف نظر از سطح پیچیدگی کودک، هنگامی که سخن از درونی سازی رسانه و پیام های تبلیغاتی باشد، مجموعه عظیمی از تحقیقاتی که روان شناسان رشد انجام داده اند، گواه بر این واقعیت اند که جوانان، مهارت های شناختی برای رویارویی با پیام های رسانه ای اقناعی را ندارند. همچنین قرار گرفتن در معرض تصاویر، مضامین و پیام های جنسی سازی شده در طول زمان و در محیط های مختلف، تأثیر انباشتی یا قطره قطره ای نیز دارد. امروزه کودکان و جوانان به راحتی به مطالبی دسترسی دارند که از لحاظ سنی، برای آنها مناسب نیست. نظریه های بنیادین رشد و یادگیری شناختی اثبات می کنند که کودکان متفاوت از آنچه می بینند، یاد می گیرند، و قرار گرفتن در معرض مضامینی که کودک از لحاظ رشد، آمادگی مواجهه با آنها را ندارد، می تواند اثر زیان باری بگذارد.

۷. امروزه کودکان و جوانان نه تنها در معرض مقادیر فزاینده ای از تصاویر فوق العاده جنسی سازی شده هستند، بلکه این ایده نیز به آنها تزریق شده که باید «از نظر جنسی جذاب» و «شهوت انگیز» به نظر آیند. به همین دلیل، آنها با فشارهایی مواجهند که کودکان در گذشته اصلاً مجبور نبودند با آنها روبه رو باشند. با بزرگ تر شدن کودکان، قرار گرفتن [آنها] در معرض این تصویرپردازی، سبب توجه مشخص به بدنش یا مراقبت دایمی از ظاهرش منجر می شود. این مراقبت می تواند به نارضایتی از بدن منجر شود که عاملی شناخته شده برای ضعف عزت نفس، افسردگی و اختلالات خورد و خوراک است. در واقع، شواهد کافی بر تأثیرات منفی جنسی سازی بر جوانان از حیث سلامت جسم و روان، نگرش ها و باورها وجود دارد.

۸. اگر قرار است به این موضوع بپردازیم، پس باید جوانان در محیط هایی رشد کنند که برای داشتن توانایی ها، استعدادها و ارزش های شان تحسین شوند. اما بر این مسئله نیز باید تأکید کرد که در بافت متنوع و چندفرهنگی بریتانیای کبیر، زمینه های فرهنگی، دینی و طبقاتی همواره بر نقش خانواده در انتقال مضامین رسانه ای جنسی سازی شده و نیز بر دیدگاه ها نسبت به آنچه مناسب و مقبول است، اثر می گذارند. پیامدهای روانی جنسی سازی، از خشونت در روابط نوجوانان گرفته تا خودعینیت بخشی، در سراسر نظام های متنوع طبقاتی دیده می شوند، و این یعنی موضوع جنسی سازی به نژاد یا طبقه خاصی محدود نیست. مطالب جنسی سازی شده و تبدیل هرزه نگاری به روند غالب

۹. با وجود کانال های همواره فزاینده، کودکان و نوجوانان در معرض طیف بی سابقه ای از مطالب رسانه ای هستند. از این رو، سهم مطالب جنسی یا حتی هرزنگاشتی به میزان شگرفی فزاینده است. تقریباً تا همین اواخر راهی وجود داشت تا دست کم با تلاش، اطمینان حاصل شود که این مطالب به دست مخاطبان مناسب می رسد. اما در اینترنت هیچ «آبپخشانی» وجود ندارد. از این رو، آگهی ها و تصاویر جنسی سازی شده ممکن است در هر جایی ظاهر شوند، و غالباً نیز بدون هدف گیری به ایمیل ها و گوشی های همراه فرستاده می شوند.

۱۰. فراوانی موجب عادی سازی می شود. پس جای تعجب نیست که محققان با بررسی مطالب صفحات اینترنتی جوانان درمی یابند که آشکارا نوجوانان تصاویری جنسی از خودشان در پایگاه های شبکه های اجتماعی می فرستند، و در عین حال با زبانی جنسی گرایانه، تحقیرآمیز و توهین آمیز مشغول خودتنظیمی یکدیگر هستند.

۱۱. به منظور درک درست از عوامل اصلی دخیل در این زمینه، و به عبارتی برای پی بردن به نحوه درونی سازی پیام ها توسط جوانان در معرض این پیام ها، نگاهی به این دو مورد، مهم است: متون اجتماعی ای که کودکان تحت تأثیر آنها هستند، و آنچه کودکان را نسبت به این متون حساس می کند.

مجلات، بازاریابی و تبلیغات

۱۲. ظاهراً یکی از مضامین غالب در مجلات، نیاز به دخترانی است که می توانند برای جلب توجه مردها، خود را از نظر جنسی جذاب نشان دهند. نگران کننده این که گرایشی نیز وجود دارد که کودکان در مجلات، لباس هایی بپوشند و در هیبتی نمایش داده شوند که توجه را به سمت ویژگی های جنسی جلب می کند؛ ویژگی هایی که هنوز واجد آنها نیستند. توصیه های ناظر به مدل مو، لوازم آرایش، پوشاک، رژیم غذایی، و ورزش نیز در راستای بازسازی خوانندگان جوان به عنوان اهداف امیال مردانه ارائه

می‌شوند، و بدین ترتیب، جنسی‌سازیِ پیشابلوغ ترویج می‌گردد. در مورد پسران، «مجلات مردان» «حجم بالایی از تصاویر بسیار جنسی‌سازی‌شده زنانی را در بردارد که مرزهای بین هرزه‌نگاری و رسانه‌های جریان غالب را کمرنگ می‌کنند. بارزترین پیام برای پسران این است که از لحاظ جنسی غالب باشید و بدن جنس مونث را همچون شئی بنگرید.

۱۳. در سه دهه گذشته، استفاده از تصویرپردازی جنسی‌سازی‌شده در تبلیغات افزایش چشم‌گیری داشته است. در حالی که بخش اعظم این تصویرپردازی، زنان را می‌نمایاند، تعداد تصاویر جنسی‌سازی‌شده کودکان نیز افزایش معناداری داشته است. ایدئال‌های جنسی‌سازی‌شده زیبا، جوان و لاغر، به ایدئال‌های کمال جسمانی منجر می‌شوند که کسب آنها حتی برای مدل‌ها نیز دشوار است؛ و این وضعیت موجب شده است تا «رنگ و لعاب بخشیدن» به تصاویر در این صنعت تداوم یابد. این تصاویر می‌توانند افراد را به باور به واقعیتی سوق دهند که وجود ندارد و می‌تواند تأثیر زیان‌بار خاصی بر نوجوانان بگذارد.

۱۴. در عین حال، فعالان عرصه بازار به گونه مؤثری دختران جوان را به این سمت تشویق می‌کنند که خودنمایی جنسی داشته باشند. مثلاً، عروسک‌های براتز، شخصیت‌هایی کودک‌پسند هستند که فوق‌العاده جنسی‌سازی و عرضه شده‌اند. جامدادی‌ها و نوشت‌افزار کودکان مدرسه‌ای، نشان خرگوش پلی‌بوی دارند. سینه‌بندهای اِپِل‌دار، لباس‌های زیر بنددار و کفش‌های پاشنه‌بلند به کودکان کم‌سال در حد ۸ ساله عرضه و فروخته می‌شوند. کمرنگ کردن مرزها به این نحو، یعنی این که می‌توان مضامین جنسی بزرگسالانه را بر کودکان تحمیل کرد و کودکان را اهداف جنسی پنداشت.

تلویزیون، فیلم و موسیقی

۱۵. احتمال اینکه زنان در تلویزیون، به گونه تحریک‌آمیزی لباس بپوشند، بسیار بیشتر از هم‌تایان مردشان است، و صحنه‌های خشونت علیه زنان نیز به گونه فزاینده‌ای فراگیر است. طبق یک مطالعه جدید، تصاویر خشونت علیه زنان در تلویزیون از سال ۲۰۰۴، ۱۲۰٪ افزایش داشته، در حالی که خشونت علیه دختران نوجوان ۴۰۰٪ افزایش داشته است. همچنین زنان و دختران در نقش‌های غیرجنسی‌سازی‌شده در فیلم‌ها به طرز معناداری کمتر نمایش داده می‌شوند. در ۱۰۱ فیلم خانوادگی و پر فروش بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴، بیش از ۷۵ درصد شخصیت‌ها، ۸۳ درصد از راویان، و ۷۲ درصد نقش‌های دارای دیالوگ مرد بودند. وقتی شخصیت‌های زن متنوعی در فیلم‌ها حضور ندارند که دختران بتوانند با آنها همزادپنداری کنند، ناگزیر رویت‌پذیری قهرمانان زنی که به شدت جنسی‌سازی شده‌اند، تأثیر عمیق‌تری برجای می‌گذارد.

۱۶. مشاهده می‌شود که زنان در تمامی ژانرهای کانال‌های موسیقی و موزیک‌ویدئوها زنان جنسی‌سازی و شیء‌انگاری می‌شوند. زنان غالباً با لباس‌هایی تحریک‌کننده و بدن‌نما، و در حالت آمادگی جنسی نمایانده می‌شوند. از دیگر سو، مردان نیز فوق‌العاده مردانه و از لحاظ جنسی، غالب نمایانده می‌شوند. تحقیقات اندکی درباره مطالب خشونت‌آمیز و غالباً جنسی ترانه‌ها انجام گرفته است. اما یک رابطه مهم بین ترانه‌های جنسی‌سازی‌شده و تأثیر آنها بر برانگیختن فعالیت جنسی زودهنگام جوانان این است که این علیت نه‌تنها صرفاً با محتوای جنسی ترانه‌ها، بلکه با ماهیت موهن‌شان نیز مرتبط است.

فن‌آوری‌های نوین

۱۷. بیش از ۸۰ درصد جوانان به‌طور هفتگی یا روزانه از اینترنت استفاده می‌کنند و تقریباً یک‌سوم از ۸ تا ۱۱ ساله‌ها و ۶۰ درصد ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ها می‌گویند بیشتر به تنهایی از اینترنت استفاده می‌کنند. تقریباً نیمی از کودکان بین سنین ۸ تا ۱۷ سال و یک‌چهارم از ۸ تا ۱۱ ساله‌ها در پایگاه‌های شبکه‌های اجتماعی مانند Bebo، MySpace یا Facebook پروفایل دارند. برخلاف محدودیت‌های سنتی این پایگاه‌ها (نوعاً برای افراد زیر ۱۳ یا ۱۴ سال [ممنوع است])، اما این محدودیت‌ها عموماً اعمال نمی‌شوند. پایگاه‌های شبکه‌های اجتماعی، امکان ایجاد هویت‌های آنلاین را برای کودکان و جوانان فراهم می‌کنند. مثلاً دختران می‌گویند تحت فشار فراوانی هستند تا خود را با «سینه‌بند و زیرشلواری زنانه» یا مایوی دوتکه به صورت آنلاین بنمایانند، در حالی که پسران می‌خواهند بدن خود را به صورت فوق‌العاده مردانه نمایش دهند، به ماهیچه‌های خود افتخار کنند و ژست اشخاص قدرتمند و مسلط را بگیرند. خودنمایی جنسی‌سازی‌شده می‌تواند به این معنا نیز باشد که جوانان خود را در معرض خطر

قرار می‌دهند: اخیراً توجه همگانی، به استفاده از پایگاه‌های شبکه‌های اجتماعی با هدف اغوای کودکان و جوانانی معطوف شده که به سن قانونی نرسیده‌اند.

۱۸۰ با پیدایش اینترنت، مسئله این نیست که آیا جوان در معرض هرزه‌نگاری قرار می‌گیرد یا نه، بلکه مسئله این است که چه زمانی چنین مواجهه‌ای رخ می‌دهد. پیش از فراگیر شدن روند دسترسی به اینترنت، ادعا می‌شد که به‌طور میانگین نخستین رویارویی پسرها با هرزه‌نگاری در ۱۱ سالگی رخ می‌دهد؛ اما طبق تحقیقات اخیر، اکنون این سن بسیار پایین‌تر است. بر اساس تحقیقات جدید مؤسسه YouGov، ۲۷ درصد از آنها، پسران هر هفته به هرزه‌نگارها دسترسی دارند، و ۵ درصد آنها هر روز آنها را می‌بینند. همچنین طبق این مطالعه، ۵۸ درصد آنها، هرزه‌نگارها را آنلاین، به وسیله گوشی‌های همراه، در مجلات، در فیلم‌ها یا در تلویزیون دیده‌اند. طبق تحقیق دیگری، یک‌چهارم از جوانان پیام‌های دایمی یا زباله‌های پستی هرزنگاشتی درخواست‌نشده دریافت می‌کنند، اما تقریباً یک‌هشتم از آنها پایگاه‌های هرزنگاشتی حاوی تصاویر خشن را مشاهده کرده‌اند.

۱۹۰ در ۱۵ سالگی، ۹۵ درصد جوانان، گوشی همراه شخصی دارند. گوشی‌های همراه امکان دسترسی آسان به تمامی انواع مطالب آنلاین، صرف نظر از مناسب یا نامناسب نبودن آنها - را برای جوانان فراهم می‌کنند. آمار و ارقام نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۷، گوشی‌های همراه، بزرگ‌ترین توزیع‌کننده هرزه‌نگارها در بریتانیا بودند. اخیراً استفاده از گوشی‌های همراه به عنوان ابزاری برای قلدری، کنترل و نظارت بر رفتارهای یک دوست، توجه رسانه‌ای چشمگیری را به خود جلب کرده، و چند بار در جلسات ارائه شواهد، که بخشی از همین تحقیق بوده‌اند، مطرح شده‌اند. همچنین گوشی‌های همراه اصطلاحاً برای «ارسال مضامین جنسی» - ارسال پیام‌های جنسی صریح و غالباً درخواست‌نشده - به کار می‌روند.

۲۰۰ با پیشرفت‌های صورت گرفته در فن‌آوری، بازی‌های ویدئویی به گونه فزاینده‌ای زنده و واقع‌گرایانه می‌شوند. ولی احتمال استفاده کودکان از این بازی‌ها بدون نظارت والدین بیشتر و بیشتر می‌شود: سه‌چهارم از ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ها در اتاق خواب‌شان کنسول بازی دارند. بسیاری از بازی‌ها محتوای فوق‌العاده جنسی‌سازی شده را نمایش می‌دهند و فقدان قابل توجه شخصیت‌های زن قوی نیز مشاهده می‌شود. رابطه بین مطالب خشن و پرخاشگری در مطالعات متعددی مورد اشاره قرار گرفته است و این نکته نیز به طور گسترده پذیرفته شده است که قرار گرفتن کودکان در معرض مطالبی که نسبت به آنها نه بلوغ عاطفی دارند و نه بلوغ شناختی، می‌تواند روی آنها اثر منفی بگذارد. والدین به ندرت به کودکان خود اجازه می‌دهند فیلم‌های ۱۸ سال به بالا را ببینند، اما هنگامی که موضوع اجازه دادن به کودکان برای انجام بازی‌های نامناسب باشد، والدین بسیار آسان‌گیرتر هستند؛ شاید آنها نه واقع‌گرایی و نه مضامین موجود در این بازی‌ها را، درست نمی‌شناسند.

نقش والدین، مدارس و مسئولیت جمعی

۱۲۰ اکنون زمان بررسی انتقادی اثر انباشتی پیام‌های رسانه‌ای است که کودکان ما در معرض آنها هستند و نحوه تعدیل هرگونه آثار منفی ناشی از آنها فرا رسیده است. البته به کار بردن فیلتر در رایانه‌ها و نصب قفل روی گوشی‌های همراه مهم است؛ اما مطالب جنسی‌سازی شده همه جا هستند، و غالباً جوانان و کودکان در محیطی که هیچ فرصتی برای سؤال کردن و به بحث گذاشتن احساسات‌شان به آنها داده نمی‌شود، به تنهایی به آنها دسترسی دارند.

۲۲۰ والدین، عاملی قدرتمند در شکل‌دهی نگرش کودکان خود درباره جنسیت و گرایش‌های جنسی هستند و در ترسیم بستری مناسب برای پیام‌ها و تصاویر جنسی‌سازی شده، نقشی حیاتی برعهده دارند. همچنین والدین می‌توانند در جنسی‌سازی کودکان خود به گونه‌ای بسیار مستقیم سهیم باشند؛ مثلاً با تقویت خودعینیت بخشی از طریق تشویق آنها به استفاده از جراحی پلاستیک یا حمایت از آن به عنوان ابزاری برای «سامان‌دهی» به عزت نفس یا اعتماد به نفس جسمانی ضعیف - پدیده‌ای که به میزانی هشداردهنده در حال افزایش است -.

۲۳۰ مدارس می‌توانند به کودکان کمک کنند تا توانایی تفسیر و پالایش اطلاعات را به دست آورند و تنوع دیدگاه‌ها را به رسمیت بشناسند و برای آنها ارزش قائل باشند. به همین گونه شاید لازم باشد ارزش سواد رسانه‌ای و مطالعات جنسیتی را لحاظ کرده، آنها را در هسته برنامه آموزشی کودکان بگنجانیم. تمرکز آموزش جنسی نیز باید بر آماده‌سازی جوانان برای برقراری روابطی سالم،

احترام آمیز و از لحاظ عاطفی رضایت بخش باشد.

۲۴. در این رابطه، کسب و کارها نیز باید نقش خود را ایفا کنند. بر اساس گزارش‌های بی‌شماری، در چند سال اخیر خرده‌فروشان خیابان‌های اصلی و مهم چگونه پوشاک، بازی‌ها و محصولات بچه‌گانه را که بی‌شک برای سن کودکان مناسب نبوده، ابتدا تبلیغ کرده‌اند، اما پس از تأمل، نظرشان نسبت به این کالاها تغییر کرده است. دولت در حمایت و ترویج مسئولیت‌پذیری فعالان اقتصادی نقش مهمی دارد.

تأثیر جنسی‌سازی

تصویر بدن و نابرابری جنسیتی

۲۵. در گذشته، زنان بزرگسال بودند که لزوم «شهوت‌انگیز» و «از نظر جنسی جذاب بودن» را احساس می‌کردند؛ اما اکنون این لزوم را دختران بسیار کم سن و سالی پی‌گیری می‌کنند که به نحوی اجتناب‌ناپذیر، با همان احساسات نابرابری و ناکامی در رسیدن به یک ایدئال واهی مواجهند. رسانه‌های جمعی تصور آرمانی از زیبایی را، هم برای مردان و هم برای زنان ترویج و تقویت می‌کنند، و از این طریق معیارهایی برای لاغری زنان، و قدرتمندی مردان ارائه می‌دهند که معدود افرادی می‌توانند امید داشته باشند به آنها دست می‌یابند. آثار این کار واضح است؛ اختلالات خورد و خوراک فزونی می‌یابند. طبق تخمین مؤسسه خیریه اختلالات خورد و خوراک، ۱/۶ میلیون نفر در بریتانیا دچار اختلالات خورد و خوراک هستند. بخش عمده‌ای از این افراد - حدود ۱/۴ میلیون نفر - زن هستند. اکنون می‌خواهیم ببینیم هنگامی که شما یک پیام را دستکاری می‌کنید - زنان جوان نه تنها باید لاغر، بلکه از لحاظ جنسی جذاب باشند - چه اتفاقی می‌افتد. امروزه با افزایش بی‌اشتهایی روانی، تعداد زنان جوانی که در سنین پایین و پایین‌تر پروتز سینه دارند نیز فزونی می‌یابد.

۲۶. سوسه‌انگیز است که فکر کنیم دختران، باری سنگین بر دوش دارند که پسران آن را آسان‌تر به دوش می‌کشند. اما هر یک از پیام‌های ارسالی ما برای پسران، به نحوی به همان میزان، محدودکننده و بازدارنده هستند: عضلانی باش، قوی باش، عواطف را بروز نده. جنسی‌سازی فوق‌العاده جنس زن نمی‌تواند بدون مردانه‌سازی فوق‌العاده مردان محقق شود. این دو، یکدیگر را تقویت و تشدید می‌کنند.

۲۷. قرار گرفتن مکرر در معرض ایده‌ها و تصاویر جنسی کلیشه‌ای، در باورها و نگرش‌های جنسی، مزاحمت جنسی، خشونت علیه زنان، و رفتار و مفاهیم کلیشه‌ای در مورد مردان و زنان نقش دارد. گرچه شیء‌انگاری جنسی، چیزی جز یکی از اشکال ظلم جنسی نیست، اما ظلمی است که در تعداد زیادی از ظلم‌هایی که زنان با آنها مواجهند دخیل بوده و شاید آنها را تسهیل می‌کند؛ ظلم‌هایی از تبعیض در اشتغال و خشونت جنسی گرفته تا کم‌اهمیت نشان دادن کار و دستاوردهای زنان. تبدیل صنعت امور جنسی به روند غالب

۲۸. همان گونه که مثال‌هایی از قبیل ازدیاد کلپ‌های رقص دامن نشان می‌دهد، شیوع جنسی‌سازی و افزایش سوق دادن جامعه به هرزه‌نگاری، صنعت امور جنسی را به روند غالب بدل کرده است. امروزه جنسی‌سازی - و شیء‌انگاری زنان و دختران - چنان در فرهنگ ما ریشه دوانده که کارهای جذابی مانند رقص دامن کردن و مانکن بودن در سطحی وسیع نه تنها پذیرفته شده‌اند بلکه در مواردی آرمانی نیز هستند.

۲۹. جنسی‌سازی، در قالب دو صنعت لوازم آرایشی و امور جنسی، با بازارهای اقتصادی پیوند خورده است؛ یعنی در قالب دو صنعتی که هر دو گستره و تنوع هویت‌ها و آرزوهای پیش روی زنان جوان را توسعه داده یا محدود می‌کنند. تعداد دخترانی که عزم خود را برای کار در مشاغل نیازمند تصویر «جنسی جذاب» جزم کرده‌اند، رو به افزایش است. طبق مطالعات، مثلاً بخش عظیمی از زنان جوان در بریتانیا، آرزوی کار کردن به عنوان «مدل‌های جذاب» یا در زمینه «رقص دامن» را در سر می‌پروراند. بر اساس تحقیق منتشرشده وزارت کار و بازنشستگی، ادارات کارایی برای فرصت‌های شغلی خالی در آژانس‌های اسکورت، کلپ‌های رقص دامن، مؤسسات ارسال پیام و شبکه‌های جنسی تلویزیونی، به طور منظم آگهی تبلیغاتی تولید می‌کنند. ما شاهد عادی‌سازی این کسب و کارها به عنوان گزینه‌های شغلی ممکن هستیم. این واقعیت که هم در میان مشاهیر و هم در فرهنگ عمومی، زنان - بدون

اندک اشاره‌ای به استعداد یا توانایی‌های‌شان - معمولاً به دلیل داشتن ظاهر و جذابیت جنسی‌شان، موفق و مشهور می‌شوند، پیامی قاطع برای جوانان می‌فرستد مبنی بر این که چه چیزی ارزش است و آنها باید بر چه چیزی تمرکز کنند.

جنسی‌سازی و خشونت

۳۰. طبق تحقیقات، بزرگسالان - از جمله زنان - که تصاویر جنسی شیء‌انگاری شده زنان در رسانه‌های جریان غالب را دیده‌اند، بیشتر در معرض احتمال پذیرش خشونت هستند. شواهد گردآوری شده در مطالعات از پیوندی واضح بین استفاده از تصاویر جنسی‌سازی شده، گرایش به دیدن زنان به عنوان شیء، و پذیرش رفتارها و نگرش‌های پرخاشگرانه به عنوان هنجار حکایت دارند. هم تصاویری که ما استفاده می‌کنیم و هم نحوه استفاده ما از آنها به این ایده اعتبار می‌بخشد که مردان از زنان بهره‌برداری می‌کنند.

۳۱. در تأیید رابطه میان نگرش‌های کلیشه‌ای به باورهای جنسی و ویژگی‌های جنسیتی زنان و رفتار جنسی پرخاشگرانه شواهد بی‌شماری وجود دارد. طبق تحقیق اخیر «دپارتمان امور داخله»، ۳۶ درصد افراد معتقدند که زن اگر مست باشد و مورد زنا به عنف یا هجوم جنسی قرار گیرد، باید کاملاً یا تا حدی مسئول شناخته شود، اما به اعتقاد ۲۶ درصد از آنها زن اگر در ملاء عام لباس‌های تحریک‌کننده یا بدن‌نما بپوشد، باید دست‌کم بخشی از سرزنش‌ها را به خاطر حمله بپذیرد.

جوانان، قلدری و خشونت جنسی

۳۲. نتایج تکان‌دهنده مطالعه جدید «انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت» [در بریتانیا] می‌گوید به نظر بسیاری از جوانان، خشونت در روابط به امری عادی بدل شده - یک‌سوم از دختران نوجوان بین سنین ۱۳ تا ۱۷ ساله دستخوش رفتارهای جنسی ناخواسته در روابط بوده‌اند، و یک‌چهارم از آنها به خشونت جسمانی دچار شده‌اند. هر دو جنس، خشونت شریک‌شان را تجربه می‌کنند، اما در نهایت دختران رنج بیشتری را تحمل می‌کنند. بخش قابل توجهی از دختران مورد مطالعه، اظهار می‌کردند که خشونت بر رفاه آنها اثر جدی داشته؛ اما به ظاهر، پسران متحمل عواقب کمتری شده‌اند. به نظر کریس کلاک، رئیس بخش آگاهی‌بخشی برای حمایت از کودکان در انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت [در بریتانیا]، این وضعیت شاهدهی است بر «سردرگمی فرهنگی برای تعیین امر مطلوب و پسندیده میان دختران و پسرانی که امروزه در چشم‌اندازی فوق‌العاده جنسی‌سازی شده زندگی می‌کنند.»

۳۳. در میان اراذل و اوباش، حمله‌های جنسی و زنا به عنف به طور گسترده‌ای به وسیله خشونت رایج شده است. تجاوز کردن به یک دختر نه تنها برای تأکید بر سلطه بر خود دختر، بلکه برای ابراز سلطه بر افراد مرتبط با وی نیز به کار می‌رود؛ و گرچه اراذل و اوباش تنها بخش کوچکی از جامعه بریتانیا هستند، اما - طبق نتایج حاصل از تحقیق «انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت» در مورد خشونت نسبت به دوستان نوجوان - استفاده از خشونت به عنوان ابزاری برای تنبیه و کنترل، فقط در حوزه خرده‌فرهنگ‌ها مطرح نیست. به نظر می‌رسد تصورات قدرت و تسلط بر بدن زن، و فشار بر پسران به منظور انطباق خود با یک ایدئال فوق‌العاده مردانه، بر زندگی روزمره جوانان تأثیری بسیار واقعی دارند.

۳۴. بر اساس شواهد فزاینده برگرفته از متخصصان اجتماعی و تربیتی، دختران در زمین‌های بازی و کلاس‌های درس به گونه روزافزون با جنسیت‌گرایی مواجه هستند. به گفته محققان، موارد مزاحمت جنسی و اشکال قلدری و ناسزاگویی جنسیت‌گرایانه و جنسی‌سازی شده، ممکن است در مدارس ابتدایی و متوسطه رو به افزایش باشد.

هرزننگاری و پرخاشگری جنسی

۳۵. هرزننگاری، آگاهی جنسی جوانان را شکل می‌دهد، اما این کار را با ترسیم عمل جنسی به شیوه‌های غیرواقع‌گرایانه انجام می‌دهد. ماهیت هرزننگاری آنلاین در حال تغییر است: هرزننگاری به نحو فزاینده‌ای، تحت سیطره مضامین پرخاشگری، قدرت و کنترل، و در حال کم‌رنگ کردن مرزهای بین موافقت، رضایتمندی و خشونت است.

۳۶. پیشرفت‌های فناوری، هرزننگاری را به طور فزاینده‌ای در دسترس کودکان و جوانان قرار می‌دهد. طبق شواهد منسجم و معتبر، پرخاشگری مردان علیه زنان با قرار گرفتن در معرض هرزننگاری مرتبط است. طولانی‌شدنی این مواجهه، احتمال مشاهده

مطالب مخربی را افزایش می‌دهد که یا رفتارهای بالقوه زیان‌بار را ترسیم می‌کند یا آنچه که دولت بریتانیا رفتارهای جنسی «افراطی» می‌نامد؛ رفتارهایی مانند عمل جنسی خشن، آزارگری و آزارخواهی و قساوت. استفاده فراوان از هرزه‌نگاری به خودی خود حاکی از خطر بالای پرخاشگری جنسی نیست؛ اما بزرگسالانی که پیشاپیش مستعد فعالیت‌های خشونت‌آمیز بوده‌اند و بسیار از هرزه‌نگاری استفاده می‌کنند به احتمال بیشتری درگیر پرخاشگری جنسی می‌شوند.

۳۷. تعداد پایگاه‌هایی که رفتاری کودکانه با زنان دارند افزایش چشمگیری داشته است. در قیاس با بزرگسالانی که در رویارویی‌های رسانه‌ای خود بیشتر با مدل‌های به ظاهر مسن‌تر روبه‌رو شده‌اند آن دسته از بزرگسالانی که در معرض هرزه‌نگاری مجازی از کودکان یا هرزه‌نگاری «نه چندان قانونی» قرار گرفته‌اند، ارتباط قوی‌تری میان جوانان و مسائل جنسی برقرار می‌کنند. همچنین احتمال اینکه آنها عمل جنسی و مسائل جنسی را به تصاویر غیرجنسی کوچک‌ترها ربط دهند، بیشتر است. هنگامی که دختران به گونه‌ای لباس می‌پوشند که شبیه زنان بزرگسال می‌شوند، ممکن است مردم فیلم‌های بزرگسالان و حتی حس مسئولیت بزرگسالانه را با کودک مرتبط سازند. به تصویر کشیدن دختران جوان با لباس یا آرایشی همانند زنان مسن‌تر بالغ و جذاب جنسی، می‌تواند اعمالی از سنخ سوء استفاده، مانند کودک‌آزاری یا سوء استفاده جنسی از کودک را عادی سازد.

کودک‌آزاری و سوء استفاده جنسی

۳۸. کودک‌آزاری جنسی، حد نهایی و افراطی طیف عواقب جنسی‌سازی است. آثار روان‌شناختی آزار جنسی می‌تواند ویرانگر باشد و طیفی از افسردگی و اضطراب، اختلالات ناشی از فشار روحی پس از ضربه، تا اختلال جنسی، خودکشی و خودزنی را شامل شود.

آزار جنسی بر تعداد زیادی از کودکان در بریتانیا - با تعداد تخمینی بیش از ۲ میلیون تن - اثرگذار بوده است، هرچند بخش عمده‌ای از کودک‌آزاری جنسی گزارش نمی‌شود. اکثر افرادی که رفتار زیان‌بار جنسی دارند در واقع افراد ذکور جوان هستند؛ در ۲۵ درصد تا ۴۰ درصد از سوء استفاده‌های جنسی گزارش شده با مجرمان جوان روبه‌رو هستیم.

۳۹. یکی از دغدغه‌ها این است که جنسی‌سازی دختران به شکل‌گیری بازاری از تصاویر تجاوز به کودکان (که در رسانه‌ها غالباً از آن به «هرزه‌نگاری کودکان» تعبیر می‌شود) یا رابطه جنسی با کودکان کمک می‌کند. این واقعیت که دختران جوان در تلاش‌اند به نحوی خود را آرایش کنند که دیگر جوانان را تحریک شدید جنسی کند - خواه در پایگاه‌های شبکه‌های اجتماعی یا در گوشی‌های همراه - آنها را به طور بالقوه آسیب‌پذیر می‌سازد. خود جوانان اکنون در حال تولید و معاوضه چیزی هستند که در واقع «هرزه‌نگاری کودکان» است - واقعیتی که حاصل تعداد فزاینده نوجوانانی است که به دلیل داشتن این مضامین محکوم می‌شوند.

-
- Linda Papadopoulos. ۱. Sexualisation of Young People. ۲. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۴. McLellan, Sexualised and Trivialized – Making Equality Impossible. mr.amin۴۵۱@Yahoo.com , ۵. Together We Can End Violence Against Women and Girls. Quoted in: Tankard Reist (۲۰۱۰). ۶. Mayo & Nairn ۷. Evidence provided to the review by Dr K. Sarikakis (۲۰۰۹). Satcher (۲۰۰۱). ۸. McKinley (۱۹۹۹); Moradi et al. (۲۰۰۵); Polivy, Herman et ۹. Bandura (۱۹۷۱); Bem (۱۹۸۱). (۲۰۰۹). ۱۰. Abramson and Valene (۱۹۹۱); Durkin and al. (۲۰۰۲); Tolman, Impett, Tracy and Michael (۲۰۰۶). ۱۱. self-objectification : Paxton (۲۰۰۲); Harrison (۲۰۰۰). (مترجم. ۱۳۰ محل یا ابزار تقسیم و توزیع آب که به وسیله آن تصمیم‌گیری می‌شود چه مقدار آب در چه زمانی به کدام سو روان شود (مترجم. Ringrose). ۱۴. ۱۵. Carpenter (۱۹۹۸); Durham (۱۹۹۸); Garner, Sterk, and Adams (۱۹۹۸); McMahon (۱۹۹۰). (۲۰۰۸). ۱۶. Reichert et al. (۱۹۹۹). ۱۷. Rush and La Nauze (۲۰۰۶). Duffy and Gotcher (۱۹۹۶). ۱۸. Lads' Mags. ۱۹. ۲۰. Evidence provided to the review by the ۲۱. Bratz. ۲۲. Coleman (۲۰۰۸). Tankard-Reist (۲۰۱۰). ۲۳. Buckleitner and Foundation (۲۰۰۸) ۲۴. Playboy bunny. British Board of Film Classification (۲۰۰۹).

۲۸. Kelly ۲۷. www.parentstv.org/PTC/publications/reports/womeninperil/main.asp. ۲۶. Eaton (۱۹۹۷)..
۲۹. Andsager and Roe (۱۹۹۹); Seidman (۱۹۹۲); Sommers-Flanagan and Davis and Smith (۲۰۰۶).
۳۲. ۳۱. Livingstone, Bober and Helsper (۲۰۰۵). ۳۰. Matino et al (۲۰۰۶). Quoted in Coy (۲۰۰۹). (۱۹۹۳).
۳۷. ۳۶. Greenfield (۲۰۰۴). ۳۵. Bryant (۱۹۸۵). ۳۴. Ringrose (۲۰۱۰). ۳۳. Ofcom (۲۰۰۸). Ofcom (۲۰۰۹).
۳۹. Juniper Research, Quoted in: Daw and ۳۸. Ofcom (۲۰۰۸). Livingstone and Bober et al. (۲۰۰۵).
۴۲. ۴۱. sexting. ۴۰. Evidence Hearing Sessions for the Review (May ۲۰۰۹ – July ۲۰۱۰). Cabb (۲۰۰۹).
۴۵. Anderson and Dill ۴۴. Dill and Thill (۲۰۰۷). ۴۳. Ofcom (۲۰۰۹). Martinez and Manolovitz (۲۰۰۹).
۴۶. (۲۰۰۰); Freedman (۲۰۰۲); Deselms and Altman (۲۰۰۳).
- [www.cosmeticsurgerybible.com/۲۰۰۷/typesof-surgery/breast-enlargement/breast-implantslinked-to-](http://www.cosmeticsurgerybible.com/۲۰۰۷/typesof-surgery/breast-enlargement/breast-implantslinked-to)
۴۸. Zuckerman and Abraham ۴۷. www.b-eat.co.uk/PressMediaInformation#iHn. suicide-risk/۱۰۵.
۴۹. Kilbourne and Lazarus (۱۹۸۷); Lazier-Smith (۱۹۸۹); UN Educational, Scientific, and (۲۰۰۸).
۵۱. Coy (۲۰۰۹), Coy and Garner (in ۵۰. Fredrickson and Roberts (۱۹۹۷). Cultural Organisation (۱۹۸۰).
۵۳. www.parliament.uk/deposits/depositedpapers/۲۰۰۸/DEP۲۰۰۸-۵۲. Deeley (۲۰۰۸). press).
۵۶. Dean and ۵۵. Kalof (۱۹۹۹); Lanis and Covell (۱۹۹۵). ۵۴. Johnson & Adams et al. (۱۹۹۵). ۳۱۵۵.doc
- Malamuth (۱۹۹۷); Malamuth and Briere (۱۹۸۶); Malamuth and Donnerstein (۱۹۸۲, ۱۹۸۴); Murnen, Wright and Kaluzny (۲۰۰۲); Osland, Fitch and Willis (۱۹۹۶); Spence, Losoff and Robbins (۱۹۹۱);
۵۹. ۵۸. Home Office (۲۰۰۹). ۵۷. Home Office. Truman, Tokar and Fischer (۱۹۹۶); Vogel (۲۰۰۰).
۶۱. NSPCC's Head of ۶۰. Chris Cloke. National Society for the Prevention of Cruelty to Children.
۶۳. Duncan (۲۰۰۴); Renold, (۲۰۰۳); Ringrose (۲۰۰۸). Child Protection Awareness.
۶۴. Hanson and Tyd'en. این عدد، تمامی موارد طرد همیشگی در محیط‌های مدرسه‌ای خاص و ابتدایی را شامل نمی‌شود.
۶۶. Malamuth, Addison and Koss ۶۵. McGlynn, Ward and Rackley (۲۰۰۹). (۲۰۰۵); Dines (۲۰۰۸).
۶۸. Cawson et al. ۶۷. Paul and Linz (۲۰۰۸). (۲۰۰۰).
۶۹. www.nspcc.org.uk/WhatWeDo/MediaCentre/MediaBriefings/Policy/media_briefing_sexually_har
- [۷۰. Carr \(۲۰۰۴\). mful_behaviour_wda۳۳۲۵۲.html](http://www.nspcc.org.uk/WhatWeDo/MediaCentre/MediaBriefings/Policy/media_briefing_sexually_har)